

بنیان‌های فرهنگ ایران - ۱

جلال‌الدین بلخی

تصحیح، حرکت‌گذاری و توضیحات

مهدی کمپانی زارع

مَثْنَوِی مَعْنَوِی

کتابراه

نشر نگاه معاصر

مثنوی معنوی

جلال الدین بلخی

نگارش:

مهدی کمپانی زارع

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیندکاظمی) / نیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۴ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۱۸-۸

نگاه معاصر

نشر نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ پست الکترونیک: negahe_moaser@yahoo.com

سرشناسه	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۷۲-۶۰۴ ق.
عنوان قراردادی	: مثنوی
عنوان و نام پدیدآور	: مثنوی معنوی - جلال‌الدین بلخی: تصحیح، حرکت‌گذاری و توضیحات مهدی کمپانی زارع.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۱۵۱۲ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
فروست	: بنیان‌های فرهنگ ایران: ۱
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۱۸-۸
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۷ ق.
شناسه افزوده	: کمپانی زارع، مهدی، ۱۳۵۹- . مصحح.
رده‌بندی کنگره	: PIR ۵۲۹۸ ۱۳۹۰ د
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۶ ۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۰۲۱۹۷

فهرست مطالب

□ مقدمه ۶۱

مُحَلَّدِ آوُل از مثنوی

- حکایت عاشق شدن پادشاه بر کنیزک و بیمار شدن کنیزک و تدبیر در صحت او ۹۱
- ظاهر شدن عجز حکیمان از معالجه کنیزک و روی آوردن پادشاه به درگاه اله و در خواب دیدن او ولی ای را ۹۲
- از خداوند ولی التوفیق درخواست توفیق رعایت آداب در همه حالها و بیان کردن وخامت ضررهای بی ادبی ۹۳
- ملاقات پادشاه با آن ولی که در خوابش نمودند ۹۳
- بُردن پادشاه آن طبیب را بر سر بیمار، تا حال او را ببیند ۹۴
- خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه جهت دریافتن رنج کنیزک ۹۶
- دریافتن آن ولی رنج را و عرض کردن رنج او را پیش پادشاه ۹۷
- فرستادن پادشاه رسولان به سمرقند به آوردن زرگر ۹۷
- بیان آنکه کشتن و زهر دادن مرد زرگر به اِشَارَت الهی بود نه به هوای نفس و تأمل فایده ۹۹
- حکایت بقال و طوطی و روغن ریختن طوطی در دُکان ۱۰۰
- داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می گشت از بهر تعصب ۱۰۳
- آموختن وزیر مکر پادشاه را ۱۰۴
- تلبیس وزیر با نصارا ۱۰۴
- قبول کردن نصارا مکر وزیر را ۱۰۵
- متابعت نصارا وزیر را ۱۰۵
- قصه دیدن خلیفه لیلی را ۱۰۷

- ۱۰۸ بیانِ حسدِ وزیر
- ۱۰۹ فهم کردنِ حافظانِ نصارا مکرِ وزیر را
- ۱۰۹ پیغامِ شاهِ پنهان با وزیر
- ۱۰۹ بیانِ دوازده سبط از نصارا
- ۱۱۰ تَخْلِیْطِ وزیر در احکامِ انجیل
- ۱۱۱ بیانِ آنکه این اختلافات در صورتِ روش است نه در حقیقتِ راه
- ۱۱۲ بیانِ خسارتِ وزیر در این مکر
- ۱۱۴ مکرِ دیگرِ آنگیختنِ وزیر در اضلالِ قوم
- ۱۱۴ دفع گفتنِ وزیر مریدان را
- ۱۱۵ مکرر کردنِ مریدان که خلوت را بشکن
- ۱۱۶ جوابِ گفتنِ وزیر که خلوت را نمی شکم
- ۱۱۶ اعتراضِ مریدان در خلوتِ وزیر
- ۱۱۸ نومید کردنِ وزیر مریدان را از رَفْضِ خلوت
- ۱۱۸ ولی عهد ساختنِ وزیر هریک امیر را جدا جدا
- ۱۱۹ گشتنِ وزیر خویشان را در خلوت
- ۱۱۹ طلب کردنِ اُمّتِ عیسی علیه السلام از اُمرا که ولی عهد از شما کدام است؟
- ۱۲۰ مُنازَعَتِ اُمرا در ولیعهدی
- ۱۲۲ تَعْظِیْمِ نَعْتِ مُصْطَفٰی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و سَلَّم که مذکور بود در انجیل
- ۱۲۲ حکایتِ پادشاهِ جَهودِ دیگر که در هلاکِ دینِ عیسی سعی نمود
- ۱۲۳ آتش کردنِ پادشاهِ جَهود و بُت نهادنِ پهلوی آتش که هرکه این بُت را سُجود کند از آتش پرست ...
- ۱۲۴ به سُخْنِ آمدنِ طفل در میانِ آتش و تَحْرِیضِ کردنِ خلق را در افشادنِ به آتش
- ۱۲۵ گنج ماندنِ دَهانِ آن مرد که نامِ مُحَمَّد را صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و سَلَّم به تَسْخَر خواند
- ۱۲۶ عتاب کردنِ آتش را آن پادشاهِ جَهود
- ۱۲۷ قصه‌ی باد که در عهدِ هود علیه السلام قومِ عاد را هلاک کرد
- ۱۲۸ طَنَز و انکار کردنِ پادشاهِ جَهود و قَبول نکردنِ نصیحتِ خاصانِ خویش
- ۱۲۹ بیانِ توکل و ترکِ جهد گفتنِ نخچیران به شیر
- ۱۳۰ جوابِ گفتنِ شیرِ نخچیران را و فایده‌ی جهد گفتن
- ۱۳۰ تَرْجِیْحِ نهادنِ نخچیرانِ توکل را بر جهد و اِکْتِسَاب
- ۱۳۰ تَرْجِیْحِ نهادنِ شیرِ جهد و اِکْتِسَاب را بر توکل و تَسْلِیْم

- ۱۳۰ - ترجیح نهادن نخچیران، توکل را بر اجتهاد
- ۱۳۱ - باز ترجیح نهادن شیر، جهد را بر توکل
- ۱۳۲ - باز ترجیح نهادن نخچیران توکل را بر جهد
- ۱۳۲ - نگرستن عیزابیل بر مردی و گریختن آن مرد در سرای سلیمان و تقریر ترجیح توکل بر جهد و قلت فایده‌ی جهد
- ۱۳۳ - باز ترجیح نهادن شیر، جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن
- ۱۳۴ - مقرر شدن ترجیح جهد بر توکل
- ۱۳۴ - انکارکردن نخچیران بر خرگوش در تأخیر رفتن بر شیر
- ۱۳۴ - جواب خرگوش، نخچیران را
- ۱۳۵ - اعتراض نخچیران بر سخن خرگوش
- ۱۳۵ - جواب خرگوش نخچیران را
- ۱۳۶ - ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت و منافع دانستن
- ۱۳۶ - بازطلبیدن نخچیران از خرگوش، سیر اندیشه‌ی او را
- ۱۳۶ - منع کردن خرگوش، راز را از ایشان
- ۱۳۷ - قصه‌ی مکر خرگوش
- ۱۳۸ - زیافت تأویل زکیکی مگس
- ۱۳۹ - تولیدن شیر از دیر آمدن خرگوش
- ۱۳۹ - هم در بیان مکر خرگوش
- ۱۴۱ - رسیدن خرگوش به شیر و خشم شیر بر وی
- ۱۴۱ - عذر گفتن خرگوش
- ۱۴۳ - جواب گفتن شیر، خرگوش را و روان شدن با او
- ۱۴۴ - قصه‌ی هدهد و سلیمان در بیان آنکه چون قضا آید چشمهای روشن بسته شود
- ۱۴۴ - طعنه‌ی زاغ در دعوی هدهد
- ۱۴۵ - جواب گفتن هدهد طعنه‌ی زاغ را
- ۱۴۵ - قصه‌ی آدم علیه السلام و بستن قضا نظر او را از مراعات صریح نبی و ترک تأویل
- ۱۴۶ - پا واپس کشیدن خرگوش از شیر چون نزدیک چاه رسید
- ۱۴۸ - پرسیدن شیر از سبب پائی واپس کشیدن خرگوش
- ۱۴۸ - نظر کردن شیر در چاه و دیدن عکس خود را و آن خرگوش را
- ۱۵۰ - مرده بردن خرگوش سوی نخچیران که شیر در چاه افتاد

- جَمْعِ شُدَنِ تَخْجِیران، گِردِ خَرگوش و تَنّا کُفَتَن او را ۱۵۱
- پَنَد دادنِ خَرگوش، نَخجِیران را که بِدینِ شاد مَسْئُود ۱۵۱
- تَفْسِیرِ رَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ إِلَى الْجِهَادِ الْأَكْبَرِ ۱۵۱
- اَمَدَنِ رَسولِ روم تا امیرالمؤمنین عُمَر، رَضی اللّٰهُ عَنْه، و دیدنِ او، کِراماتِ عمر را رَضی اللّٰهُ عَنْه ۱۵۲
- یاقَتَن رَسولِ روم، امیرالمؤمنین عمر را رَضی اللّٰهُ عَنْه، خُفَتَه به زَیرِ درخت ۱۵۳
- سَوالِ کردنِ رَسولِ روم از امیرالمؤمنین عمر رَضی اللّٰهُ عَنْه ۱۵۴
- اِضافَتِ گردنِ آدم آن زَلَّت را به خویشتن که رَزَّنا ظَلَمْنَا و اِضافَتِ گردنِ ابلیس گُناه خود را به خُدا ۱۵۴
- که بِما اُغْوِیْتَنی ۱۵۶
- تَفْسِیرِ وَ هُوَ مَعَكُمْ اَیْنَ ما کُنْتُمْ ۱۵۷
- سَوالِ کردنِ رَسولِ روم از عُمَر، رَضی اللّٰهُ عَنْه، از سَبَبِ ابتلايِ ارواح با این آب و گِلِ جِسم ۱۵۷
- در مَعْنی آن که «مَنْ ارَادَ أَنْ یَجْلِسَ مَعَ اللّٰهِ فَلْیَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ النَّصُوفِ» ۱۵۸
- قِصَّه‌ی بازَرگان که طوطی مَحْبُوس او، او را بِپیغام داد به طوطیانِ هندوستان هنگام ۱۵۹
- صِفَتِ اَجتَحه‌ی طُیورِ عَقولِ الهی ۱۶۰
- دیدنِ خواجه طوطیانِ هندوستان را در دَشت و پیغام رَسانیدن از آن طوطی ۱۶۱
- تَفْسِیرِ قولِ فَریدُ الدّینِ عَطّار قُدّس اللّٰهُ رُوحَه:
- تو صَاحِبِ نَفْسِی ای غافل! مِیانِ خاک، خُونِ می خور
- که صَاحِبِ دَلِ که زَهْری خورَد، آن اَنگَبین باشد ۱۶۱
- تَعظِیمِ ساحران، مَرِ موسی را عَلَیهِ السَّلَام که چَه فرمایِ؟ اول تو اندازی عِصا یا ما؟ ۱۶۲
- بازگُفَتَن بازَرگان با طوطی آنچه دید از طوطیانِ هندوستان ۱۶۴
- شَنیدَنِ آن طوطی حَرکتِ آن طوطیان و مُردَنِ آن طوطی در قَفَس و نوحه‌ی خواجه بر وی ۱۶۵
- تَفْسِیرِ قولِ حَکیم:
- به هَرچ از راه و امانی چَه کُفَر آن خَرَف و چَه اِیمان
- به هَرچ از دوست دور اُفتی چَه زُشت آن نَقش و چَه زیبا
- در مَعْنی قولِه عَلَیهِ السَّلَام اِنَّ سَعْدًا لَّغَیوْرٌ و اَنَا اَغَیْرُ مِنْ سَعِدٍ و اللّٰهُ اَغَیْرُ مِنِّی و مِنْ غَیْرِه، حَرَمُ
- الْفَوَاحِش ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَن ۱۶۸
- رُجوع به حِکایتِ خواجه‌ی تاجِر ۱۷۰
- بَرُون اَنداختنِ مرد تاجِر، طوطی را از قَفَس و پَریدنِ طوطی مُرده ۱۷۱
- وِداعِ کردنِ طوطی، خواجه را و پَریدن ۱۷۲
- مَضَرَّتِ تَعظِیمِ خَلق و اَنگِشتِ نَهای شُدَن ۱۷۲

- تفسیر ماشاءَ اللّهُ کان..... ۱۷۳
- داستانِ پیرِ چنگی که در عهدِ عمر، رضی اللّهُ عنه، از بهرِ خُدا روزِ بی‌نواهی چنگ..... ۱۷۵
- در بیانِ این حدیث که «إِنْ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»..... ۱۷۷
- قصّه‌ی سؤال کردنِ عایشه رضی اللّهُ عنها از مُصطفی صلی اللّهُ علیه و سَلَّم که امروز باران بارید چون تو سوی گورستان رفتی، جامه‌های تو چون تر نیست؟..... ۱۷۹
- تفسیر بیت حکیم:
- آسمانهاست در ولایتِ جان / کارفرمایِ آسمانِ جهان
- در ره روحِ پست و بالاهاست / کوههای بلند و دریاهاست..... ۱۸۱
- در معنیِ این حدیث که «إِغْتَبِمُوا بَرْدَ الرَّبِيعِ» الی آخره..... ۱۸۱
- پُرسیدنِ صَدِیقِہ رضی اللّهُ عنها از پیامبر (ص) که سِرِ بارانِ امروزی‌نه چه بود؟..... ۱۸۲
- بقیه‌ی قصّه‌ی پیرِ چنگی و بیانِ مَحَلِّصِ آن..... ۱۸۲
- در خوابِ گفتنِ هاتِفِ مَرِ عُمَرَ را رضی اللّهُ عنه که چندی‌ن زر از بیت‌المال..... ۱۸۴
- نالیدنِ ستونِ خُتّانه چون برای پیغامبر صلی اللّهُ علیه و سَلَّم منبر ساختند که جماعتِ انبوه شد، گفتند ما رویِ مُبارکِ تو را به هنگامِ وعظ نمی‌بینیم و شنیدنِ رسول و صحابه آن ناله را و سؤال و جوابِ مُصطفی صلی اللّهُ علیه و سَلَّم با ستون، صریح..... ۱۸۴
- اظهارِ معجزه‌ی پیغامبر صلی اللّهُ علیه و سَلَّم به سخن آمدنِ سنگ‌ریزه در دستِ ابوجهل علیه‌اللعنة و گواهی دادنِ سنگ‌ریزه بر حقیقتِ مُحَمَّد صلی اللّهُ علیه و سَلَّم به رسالتِ او..... ۱۸۶
- بقیه‌ی قصّه‌ی مُطرب و پیغام رسانیدنِ عُمَرَ رضی اللّهُ عنه به او، آنچه هاتِفِ آواز داد..... ۱۸۷
- گردانیدنِ عُمَرَ رضی اللّهُ عنه، نظیرِ او را از مقامِ گریه که هستی است، به مقامِ استغراق..... ۱۸۸
- تفسیرِ دُعایِ آن دو فرشته که هر روز بر سرِ هر بازاری می‌کنند که «اللّهُمَّ أَغْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا اللّهُمَّ أَغْطِ كُلَّ مُنْسِكٍ تَلْفًا» و بیانِ کردنِ که آن مُنْفِقِ مُجَاهِدِ راهِ حق است نه مُسْرِفِ راهِ هوا..... ۱۸۹
- قصّه‌ی خَلِیفه که در گرم در زمانِ خود از حاتمِ طائی گذشته بود و نظیر، خود نداشت..... ۱۹۰
- قصّه‌ی اعرابیِ درویش و ماجرایِ زنِ با او، به سببِ قِلّت و درویشی..... ۱۹۱
- مغرور شدنِ مُریدانِ مُحتاج به مُدعیانِ مُزَوّر و ایشان را شیخ و مُجْتَمِع و واصلِ پنداشتن و ثقلِ را از نقدِ فرقِ نادانستن و بر بسته را از بر بسته..... ۱۹۱
- در بیانِ آنکه نادرِ اُفتد که مُریدی در مُدعیِ مُزَوّر اعتقاد به صدقِ بیند که او کسی است و بدین اعتقاد به مقامی برسد که شیخش در خواب ندیده باشد و آب و آتش، او را گزند نکند و شیخش را گزند کند، و لیکن به نادرِ نادر..... ۱۹۲
- صبرِ قُرمودنِ اعرابی، زنِ خود را و قُضِیلتِ صبر و فقرِ بیانِ کردنِ با زن..... ۱۹۳
- نُصیحتِ کردنِ زنِ مَرِ شوی را که سخن افزون از قَدَم و از مقامِ خود مگو «لِمَ تَقُولُونَ مَا

- لَا تَفْعَلُونَ» که این سخنها اگرچه راست است، این مقام توکل تو را نیست و این سخن گفتن فوق مقام و معامله‌ی خود زیان دارد و «كَثَرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ» باشد..... ۱۹۴
- نصیحت کردن مردِ مَر زن را که در فقیران به خواری مَنگَر و در کارِ حق به گمانِ گِمالِ نگر و طعنه مَرَن بر فقر و فقیران به خیال و گمانِ بی‌نواپی خویشتن..... ۱۹۵
- در بیان آنکه جُبیدنِ هرکسی از آنجا که وی است، هرکس را از چَنبره‌ی وجودِ خود ببند، تابه‌ی گِبود، آفتاب را گِبود نُماید و سُرخ، سُرخ نُماید، چون تابه‌ها از رنگها بیرون آید، سپید شود از همه تابه‌های دیگر او راست‌گوتر باشد و امام باشد..... ۱۹۶
- مُراعات کردنِ زَن شوهر را و استغفار کردن از گفته‌ی خویش..... ۱۹۷
- در بیان این خبر که «إِنَّهُمْ يَغْلِبُونَ الْعَاقِلَ وَيَغْلِبُهُنَّ الْجَاهِلُ»..... ۱۹۹
- تسلیم کردن مردِ خود را به آنچه التماسِ زن بود از طلبِ معیشت و آن اعتراض زن را اشارتِ حق دانستن
- به نزدِ عقلِ هر داندنده‌ای هست
- که با گردنده گرداننده‌ای هست..... ۱۹۹
- در بیانِ آنکه موسی و فرعون هر دو مُسَهَّرُ مشیت‌اند چنانکه زهر و پازهر و ظلمات و نور، و مناجات کردنِ فرعون به خلوت تا ناموس نشکند..... ۲۰۰
- سَبَبِ حِرمانِ اشقیای از دو جهان که «حَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ»..... ۲۰۱
- حَقیر و بی‌خَصَم دیدنِ دیده‌هایِ حَس، صالِح و ناقه‌ی صالِح را، چون خواهد که حَق لشگری را هَلاک کند در نظر ایشان حَقیر نُماید خَصَمان را و اندک اگرچه غَالِب باشد آن خَصَم «وَيَقْلَلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضَى اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا»..... ۲۰۳
- در معنی آن که «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»..... ۲۰۵
- در معنی آن که آنچه ولی گُند، مُرید را شاید گُستاخی کردن و همان فعل کردن، که حَلوا طیب را زیان ندارد، اما بیمار را زیان دارد و سرما و برف، انگور را زیان ندارد، اما غوره را زیان دارد که در راهست. که: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ»..... ۲۰۷
- مُخَلَّصِ ماجرایِ عَرَب و جُفت او..... ۲۰۷
- دِل تَهَادِنِ عَرَبِ بر التماسِ دَلِبرِ خویش و سوگند خوردن که در این تسلیم مرا حیلتی و امتحانی نیست..... ۲۰۹
- تعیین کردنِ زَن، طَریقِ طلبِ روزی گَدخدایِ خود را و قبول کردن او..... ۲۱۰
- هدیه بُردنِ عَرَبِ سَبَوِیِ آبِ باران از میانِ بادیه سَوِیِ بَغداد به نَزَدِ امیرِالمؤمنین بر پنداشت آن که آنجا هَم قَحْطِ آب است..... ۲۱۱

- در نَمَدِ دوختنِ زنِ عَرَب، سَبوی آب باران را و مُهر نَهادن بر وی از غایتِ اعتقادِ عَرَب ۲۱۲
- در بیانِ آن که چنان که گِدا عاشقِ کَرَم است و عاشقِ کَریم، کَرَمِ کَریم هم عاشقِ گِداست، اگر گِدا را صبرِ بیش بود، کَریم بر در او آید و اگر کَریم را صبرِ بیش بود، گِدا بر در او آید، اما صبرِ گِدا کمالِ گِداست و صبرِ کَریم، نُقصانِ اوست ۲۱۳
- فَرَقِ میانِ آنکه درویش است به خُدا و تشنه‌ی خُدا و میانِ آن که درویش است از خُدا و تشنه‌ی غیر است ۲۱۳
- پیش آمدنِ نَفِیان و دربانانِ خلیفه از تَهرِ اِکرامِ اعرابی و پذیرفتنِ هَدیه‌ی او را ۲۱۴
- در بیانِ آنکه عاشقِ دنیا بر مثالِ عاشقِ دیواری است که بر او تابِ آفتاب زَنَد و جَهد و جِهاد نکرد تا فهمِ کُنَد که آن تاب و رونق از دیوار نیست، از قُرصِ آفتاب است در آسمانِ چهارم، لاجرم کُلّی دل بر دیوار نَهاد چون پرتوِ آفتاب به آفتاب پیوست و محروم ماند ابدًا «و حیلَ بَینَهُم وَ بَینَ مایشَتَهُن» ۲۱۶
- مَثَلِ عَرَب: إِذَا زَئِیْتُ فَأَزِنِ بِالْمِزَّةِ و إِذَا سَرَقْتَ فَاسْرِقِ الدَّرَّةَ ۲۱۶
- سَیْرَدنِ عَرَبِ هَدیه را، یعنی سَیو را، به غلامانِ خَلیفه ۲۱۷
- حکایتِ ماجرای نَحوی و کشتیان ۲۱۷
- قبولِ گردنِ خَلیفه هَدیه را و عَطَا فرمودنِ با کمالِ بی‌نیازی از آن هَدیه و از آن سَبو ۲۱۸
- در صِفَتِ پیر و مُطَاوَعَتِ وی ۲۲۲
- وَصیتِ گردنِ رسول، صلی الله علیه و سَلَّمَ، علی را کَرَمِ الله وَجْهَهُ که «چون هرکسی به نوعِ طاعتی تقرب جوید به حق، تو تَقَرُّبِ جوی به صحبتِ عاقل و بنده‌ی خاص تا از همه پیش قدم‌تر باشی» ۲۲۳
- گِبودی زدنِ قُزوینی بر شانه‌گاه، صورتِ شیر و پشیمان شدنِ او به سببِ زخمِ سوزن ۲۲۴
- رَفَتنِ گُرگ و روباه در خدمتِ شیر به شکار ۲۲۵
- امتحانِ کردنِ شیر، گُرگ را و گُفتنِ که: پیشِ آی ای گُرگ! بخشِ کُن صیدها را میانِ ما ۲۲۷
- قِصه‌ی آن گس کی در یاری یَکوفت، از درونِ گُفت کیست؟ گُفت: منم، گُفت چون تو تویی در غی گُشایم، هیچ کس را از یارانِ غی شناسم که او من باشد ۲۲۷
- آدَبِ کردنِ شیر گُرگ را که در قسمت، بی ادبی کرده بود ۲۲۹
- تَهْدیدِ کردنِ نوح علیه السلام مر قوم را که با من مَیپیچید که من رویوشم، با خدای می‌پیچید در میانِ این به حقیقت ای مَخْذولان! ۲۳۰
- نشاندنِ پادشاه، صوفیانِ عارف را پیش رویِ خویش تا چشمشان پدیشان روشن شود ۲۳۱
- آمدنِ مَهمانِ پیشِ یوسف علیه السلام و تقاضا کردنِ یوسف علیه السلام ازو نُحْفه و اَرَمغان ۲۳۲
- گُفتنِ مَهمانِ یوسف علیه السلام را کی آینه‌ای آورَدَمَت کی تا هر باری که در وی نَگری روی خوب خویش را ببینی، مرا یاد کنی ۲۳۳

- مُرْتَد شدنِ کاتبِ وحی به سبب آن که پرتو وحی بر او زد، آن آیت را پیش از پیغامبر صلی الله علیه و سلم بخواند، گفت: پس من هم محلی وحیم..... ۲۳۵
- دُعا کردنِ بَلْعَمِ باعور که موسی و قومش را از این شهر که حصار داده اند، بی مراد بازگردان و مستجاب شدنِ دعای او ۲۳۸
- اعتماد کردنِ هاروت و ماروت بر عصمتِ خویش و آمیزی اهل دنیا خواستن و در فتنه افتادن..... ۲۳۹
- باقیِ قصه‌ی هاروت و ماروت و نکال و عقوبتِ ایشان هم در دنیا به چاه بابل ۲۴۰
- به عبادت رفتنِ گر بر همسایه‌ی رنجور خویش ۲۴۱
- اَوَّل گسی که در مُقابله‌ی نَص قیاس آورد، ابلیس بود..... ۲۴۲
- در بیانِ آن که حالِ خود و مستیِ خود پنهان باید داشت از جاهلان..... ۲۴۴
- قصه‌ی مری کردنِ رومیان و جینیان در علمِ نقاشی و صورت‌گری ۲۴۶
- پُرسیدنِ پیغامبر صلی الله علیه و سلم مَر زید را: امروز چونی و چون برخاستی و جواب گفتنِ او که اصبحْتُ مؤمناً یا رسول الله ۲۴۷
- مُثَمِّم کردنِ غلامان و خواجه‌تاشان مَر لقمان را که آن میوه‌های تَرَوَنده که می‌آوردیم، او خورده است ۲۵۱
- بقیه‌ی قصه‌ی زید در جوابِ رسول صلی الله علیه و سلم ۲۵۲
- گفتنِ پیغامبر صلی الله علیه و سلم مَر زید را که این بَیْر را فاش تر از این مگو و متابعت نگه دار ۲۵۴
- رجوع به حکایتِ زید ۲۵۵
- آتش افتادن در شهر به ایامِ عُمَر رضی الله عنه ۲۵۶
- خَدو انداختنِ خَصَم در روی امیرالمؤمنین کَرَم الله وجهه و انداختنِ امیرالمؤمنین علی شمشیر را از دست ۲۵۷
- سؤال کردنِ آن کافر از کَرَم الله وجهه که بر چون مَنی مَظْفَر شدی، شمشیر را از دست چون انداختی؟ ۲۵۹
- جواب گفتنِ امیرالمؤمنین کی سبب افکندنِ شمشیر از دست چه بوده است در آن حالت ۲۶۰
- گفتنِ پیغامبر صلی الله علیه و سلم به گوشِ رکابدار امیرالمؤمنین کَرَم الله وجهه، که گُشتنِ علی بر دستِ تو خواهد بودن، خبرت کردم..... ۲۶۲
- تَعَجُّب کردنِ آدم علیه السلام از ضَلالتِ ابلیس لَعین و عَجَب آوردن ۲۶۵
- بازگشتن به حکایتِ کَرَم الله وجهه و مُسَامَحَت کردنِ او با خوئیِ خویش ۲۶۶
- اُفتادنِ رکابدار هر باری پیشِ امیرالمؤمنین علی کَرَم الله وجهه، کی امیرالمؤمنین! مرا بکش و از این قضا بَرهان ۲۶۷